

«موضوع پایان نامه»

بررسی تفاوت بلوغ عاطفی در بین
دانشجویان خانم مجرد و متأهل 18 تا 30
سال دانشگاه سیستان و بلوچستان در
سال 86

پژوهندگان:
فهیمة حافظ آبادی
و فاطمة بافتی

استاد راهنما:
جناب آقای شیرازی

چکیده:

پژوهش حاضر بررسی تفاوت بلوغ عاطفی در میان خانم
های مجرد و متأهل در مقطع کارشناسی دانشگاه سیستان
و بلوچستان است.

جامعه این پژوهش که نمونه ما از آن انتخاب شده کل
دانشجویان خانم دانشگاه سیستان و بلوچستان است.

نمونه این پژوهش شامل 160 نفر می باشد که 80 نفر مجرد و 80 نفر متأهل می باشد که به روش تصادفی انتخاب شده است. پژوهش حاضر به این سئوال محقق پاسخ می دهد که آیا بین دانشجویان خانم مجرد یا متأهل از نظر بلوغ عاطفی تفاوت معناداری وجود دارد یا نه؟

ابراز تحقیق پرسشنامه مقیاس بلوغ عاطفی از بهارگاوا می باشد که مشتمل بر 48 سؤال است بعد از اجرای پرسشنامه و تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده با استفاده از آمار توصیفی شامل محاسبه جداول فراوانی و نمودارها می باشد و آمار استنباطی که شامل آزمون خی 2 می باشد پژوهش به صورت زیر بدست آمد:

«در بین دانشجویان خانم مجرد و متأهل دانشگاه سیستان و بلوچستان تفاوتی از نظر بلوغ عاطفی وجود ندارد و تفاوت بی معنی است»

1-1- مقدمه

دوره بلوغ دورانی مبهم از نظر شناخت خصایص و دوران تمایلات متضاد است. با ورود کودک به دنیای نوجوانی و بلوغ، ولادتی تازه و مرحله ی ویژه و مستقل از دوره های قبل و بعد پدید می آید که آن را مرحله انتقال، مرحله نجات از کودکی دوران تحولات

همراه با دگرگونی های سریع و غافلگیر کننده، مرحله طوفان حیات و مرحله نجات از طفیلی گری نیز می نامند.

افراد در این دوران احیاناً با ترس و بیم هایی مواجه می گردند که رفع و تعدیل آن نیازمند به حمایت از سوی والدین و مربیان است. (قائمی، 1380، ص 22)

موارد زیر از جمله تغییرات دوران بلوغ است:

- تحویلی در اندام او ایجاد شده و شرایط جدید، تعادل اندامی او را بهم می زند.
- در عواطف و احساسات او نیز تغییر پدید می آید و موجب دگرگونی هایی در خشم و ترس و محبت او و ... می شود.
- در جنبه ذهن او نیز تحولات رو به رشدی ایجاد می گردد و هوش و عقل و اندیشه و تخیل او را دگرگون می سازد.
- در جنبه روان او در عرصه های فطری و وجدانی، آزادی خواهی و استقلال طلبی، ستایش و نیایش، حقیقت دوستی، و ... دگرگونی هایی ایجاد می شود.
- و بالاخره در غدد درونی جوش و خروش و دو غده جنسی شکفتگی و بیداری خاصی پدید می آید که

موجد خواسته هايي در اقناع غريزي مي گردد.
(قائمي، 1380، ص 28)

1-2- «بيان مسئله»

بسياري از افراد در سنين جواني و نوجواني به بلوغ عاطفي دست پيدا نمي کنند در صورتي که اکثر افراد به بلوغ جنسي و بلوغ تا سن 20 سال دست پيدا مي کنند ولي يا به بلوغ عاطفي نمي رسند يا خيلي دير به اين بلوغ مي رسند بلوغ عاطفي به اين معناست که فرد به حدي از پختگي مي رسد که مي تواند راه حلهاي پيچيده تري براي مشکلات روزمره عاطفي خود پيدا کند و از احساس خود به صورت پيچيده تري براي حل اين مشکلات استفاده کند و توانايي کنترل نوسانات شديد آن را دارد اين مسئله مهم است که آيا افراد ابتدا به يك بلوغ نسبي عاطفي دستي مي يابند و بعد سعي مي کنند به زندگي مشترك قدم گذارند يا وقتي ازدواج کردند و زندگي مشترکي را با فرد ديگري آغاز کردند اين بلوغ در آن ها رشد مي کند بسياري از افراد معتقدند که فرد ابتدا بايد از لحاظ اقتصادي و اجتماعي به يك استقلال دست پيدا کنند و بعد به نيازهاي عاطفي خود توجه داشته باشند. امروزه در بين دختران مجرد افسردگي زياد ديده مي شود اين که فردي نمي تواند عواطف خود را به درستي بشناسد و به

طبع نحوه کنترل و ابراز آن‌ها را نمی‌داند حالا یا آن‌ها را به شکل نادرست ابراز می‌کند یا آن‌ها را سرکوب و انکار می‌کند و در نهایت مسئله اصلی این پژوهش که ما به بررسی آن می‌پردازیم این است آیا بین دانشجویان خانم مجرد و متأهل از لحاظ بلوغ عاطفی تفاوت معناداری وجود دارد یا نه؟ به عبارتی آیا ازدواج تأثیری در بلوغ عاطفی افراد می‌گذارد یا نه؟

مسئله بلوغ عاطفی مسئله‌ای است مهم که اگر افراد به آن توجه نکنند ممکن است در زندگی آینده و مشترکشان با فرد دیگری به مشکل برخورد کنند مسلماً کسی که از نظر عاطفی به سطحی از رشد و بلوغ نرسیده است نمی‌تواند زندگی مسالمت آمیزی را با فرد دیگری داشته باشد زیرا که او هنوز تسلطی بر عواطف و احساسات خود ندارد و اینکه نمی‌داند چگونه آنها را کنترل کند؟ پس اگر ما بدانیم که فرد آینده شریک زندگی‌مان به بلوغ عاطفی رسیده و شرایط گرداندن یک زندگی را دارد می‌توانیم به او اطمینان کرده و در مشکلاتی که فراروی زوج قرار می‌گیرد را حل کنیم. لذا بدین منظور ارتباط بین دو متغیر بلوغ عاطفی و متأهل را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

3-1- «اهمیت و ضرورت پژوهش»

دوران بلوغ و مراحل قبل و بعد از آن دورانی مهم و از نظر پایه گذاریها دورانی سرنوشت ساز است آغاز آن به هر گونه ای که باشد لاجرم فرجامی خواهد داشت که ممکن است بسیار تلخ یا شیرین داشته باشد. اکثریت افراد بعد از رسیدن به بلوغ نسبی فکری سعی در گرفتن مسئولیتهای اجتماعی می کنند که چنین چیزی را جامعه و خانواده به شدت از آن ها طلب می کند جوان سعی می کند از لحاظ اقتصادی و اجتماعی زندگی مستقلی برای خود داشته باشد در کنار این زندگی مستقل اجتماعی به روابط با جنس مخالف می پردازند چه به بلوغ عاطفی رسیده باشند چه نه. امر ازدواج خود عامل مهمی در ایجاد بلوغ عاطفی است هر شکست عاطفی خود باعث می شود فرد تلاش بیشتری در کنترل احساسات خود کند. بسیاری معتقدند که بلوغ عاطفی در میان زنان و مردان متأهل بیشتر از افراد مجرد دیده می شود و به رشد بیشتری رسیده است اگر رشد عاطفی و بلوغ عاطفی فرد با النسبه کامل باشد قابلیت انطباق او بالاست و تمایلات بازگشتی او کم است.

«ازدواج يك امر جهانی است که در تمام جوامع در طول تاریخ وجود داشته و به يك مجموعه از نیازهای اساسی انسان پاسخ می دهد بقای نسل و پرورش فرزندان تحقق آرزوی دیرین کودکی برای پدر و مادر بودن دستیابی به عالیترین سطح دوستی و صمیمیت دوره جوانی و

بزرگسالی ارتباط گرم و دو جانبه عاطفی و جنسی و تقسیم کار و همکاری و همراهی در طول زندگی در شمار اساسی ترین کارکردهای خانواده است. موفقیت در ازدواج حاصل عوامل گوناگون است ازدواج به موقع، همانندیهایی شخصیتی شیوه های مناسب ارتباط با یکدیگر، پافشاری بر تعهدات زندگی خانوادگی و برخورداری از امکانات شغلی و مالی و رفاهی را می توان از عوامل مهم به شمار آورد از طرف دیگر کم تجربگی و ناپختگی همسران جوان، مشکلات مربوط به پذیرش هویت متفاوت طرف مقابل، خصوصیات متفاوت در خانواده و دخالت‌های بی مورد و انتظارات بیجای آنان از همسران جوان و کمبودهای مالی و شغلی و تدارک وسایل زندگی و مسکن بر مشکلات این جریان پیچیده می افزاید و شاید ناشی از عدم بلوغ عاطفی باشد.»

مفهوم رفتار عاطفی بالغ در هر سطحی حاصل رشد طبیعی عاطفی است شخصی قادر به کنترل عواطف خویش است که تأخیر در ارضا را تحمل کند بدون اینکه تأسف بخورد و رنج بکشد مورگان می گوید «یک نظر کارآمد درباره بلوغ باید تمام حیطه فردیت، نیروها و توانایی لذت از این نیروها را در نظر بگیرد» کاپلان و بارون خصوصیات شخصی را که از لحاظ عاطفی بالغ است بررسی کرده و می گوید «او قابلیت مقاومت

در برابر تأخیر در ارضای نیازها را دارد او توان تحمل میزان معقول ناکامی را دارد او به طرح و نقشه درازمدت معتقد است و می تواند توقعات خویش را بر مبنای اقتضای موقعیت به تعویق اندازد یا در آن تجدید نظر نماید.

برجسته ترین علامت بلوغ عاطفی توانایی تحمل تنش است یک علامت دیگری بی تفاوتی، برخی از انواع محرکات است که بر نوجوانان و جوانان اثر می کند و او را بی حوصله یا دستخوش احساسات می نماید بعلاوه شخص بالغ از نظر عاطفی پیوسته دارای گنجایش شادی و تفریح است کول افرادی که از لحاظ عاطفی بالغ هستند دارای خصوصیات زیرند: میل به غیر همجنس، درک نگرش رفتار دیگران، میل به پذیرش نگرش ها و عادات دیگران و قابلیت تأخیر پاسخهای خود.

1-4- «اهداف پژوهش»

اهداف پژوهش به دو دسته اهداف کلی و اهداف جزئی تقسیم می شود.

اهداف کلی :

بررسی تفاوت دو گروه خانم های مجرد و متأهل از نظر بلوغ عاطفی
اهداف جزئی:

1- چگونگی پدیدایی بلوغ عاطفی

2- رابطه بلوغ عاطفی با ازدواج

3- رابطه بلوغ عاطفی با دیگر انواع بلوغ مانند زیستی و روانی

1-5- «سئوالهای پژوهش»

1- آیا بین خانم های مجرد و متأهل از نظر بلوغ عاطفی تفاوتی وجود دارد؟

2- آیا از لحاظ عدم ثبات عاطفی بین افراد مجرد و متأهل تفاوتی وجود دارد؟

3- آیا از لحاظ بازگشت عاطفی بین افراد مجرد و متأهل تفاوتی وجود دارد؟

4- آیا از نظر استقلال بین افراد مجرد و متأهل تفاوتی وجود دارد؟

5- آیا از نظر سازگاری بین افراد مجرد و متأهل تفاوتی وجود دارد؟

1-6- «تعاریف نظری»

در پژوهش انجام شده کلمات و اصطلاحات به کار برده شده: بلوغ، بلوغ عاطفی، دانشجو، مجرد، متأهل دانشگاه می باشد.

بلوغ: بلوغ در لغت به معنی رسیدن، به سر رسیدن، رسیدن به سن رشد، مرد تمدن و زن تمدن، سن رسیدگی مرحله ای از زندگی است که حد فاصل دوران کودکی و بزرگسالی است و این دوره از حیات انسانی با یک سری علائم و تظاهرات جسمانی و روانی توأم است.

بلوغ عاطفی: یعنی این که فرد به حدی از پختگی احساسی می رسد که راه‌های پیچیده تری برای مشکلات روزمره عاطفی خود پیدا کند و از احساس خود به صورت پیچیده تری برای حل مشکلات استفاده می کند توانایی کنترل نوسانات شدید را دارد و یاد گرفته که احساسات خود را کنترل کند.

دانشجو: به کسی اطلاق می شود که بعد از اتمام دوران دبیرستان و پیش دانشگاهی از راه کنکور و قبول شدن در آن وارد دانشگاه می شود و مشغول به تحصیل می شود.

مجرد: کسی که ازدواج نکرده و یا به تنهایی یا در کنار پدر و مادر خود زندگی می کند.

متأهل: کسی که ازدواج کرده و دارای اهل و عیال است و از زندگی مجردی خود فاصله گرفته است.

1-7- تعریف عملیاتی

بلوغ عاطفی: بر اساس نمره ای که فرد از پرسشنامه مقیاس بلوغ عاطفی به دست می آورد.

مجرد: افرادی که هنوز ازدواج نکرده اند.

متأهل: افرادی که ازدواج کرده اند.

2-1- پیشینه تاریخ ما به دو دسته نظری و عملی تقسیم می شود.

2-2- «پیشینه نظری»

تعریف بلوغ عاطفی: زمانی می توانیم فردی را از لحاظ عاطفی بالغ بدانیم که فرد کلیه عواطف و احساسات خود را به درستی بشناسد و نحوه ابراز صحیح و کنترل آنها را بداند. افسردگی از جایی آغاز می شود که فرد عواطف خویش را به درستی نمی شناسد و بالطبع نحوه کنترل و ابراز آنها را نمی داند پس یا آنها را به شکل نادرست ابراز می کند و یا آنها را انکار و سرکوب می کند.

جهت پیشگیری و کاهش این دسته از افسردگی ها چنانچه ایجاد عدالت مطالعه در خانواده و جامعه بسیار مهم است که این کار یکی از وظایف اساسی آموزش و پرورش و رسانه هایی چون مطبوعات، صدا و سیما است که متأسفانه این ارگانها نه تنها کاری در این زمینه انجام نمی دهند. بلکه در بسیاری موارد خوراکهای اطلاعات بسیار مسمومی را نیز در اختیار مخاطبین قرار می دهند و این به دلیل اهمال کاران متخصصان و نداشتن قدرت مانور آنها در این سازمانها در این رسانه ها می باشد.

تاریخچه روانشناسی بلوغ

در مطالعات تغییرات مربوط به بلوغ «ارسطو» تغییرات خاص از بلوغ جنسی را شرح داده و همچنین به تغییرات روانی همزمان با این تغییرات اشاره کرده است. «ژان ژاک روسو» در قطعه ای از خطابه مدیحه سن برنارد، بوسوئه و همچنین در کتاب چهارم امیل از اسرار دوران بلوغ که آن را تولد ثانوی نامیده است، بحث می نماید. اولین مقاله معتبر و علمی در رابطه با بلوغ توسط برنجام در سال 1891 منتشر شد و بالاخره با پژوهشهای گسترده استانیلی هال به عنوان پدر روان شناسی بلوغ نوجوانی این مطالعات وارد حیطة روان شناسی شد.

مفهوم بلوغ و تفاوت آن با نوجوانی

بررسی و تعیین مفهوم بلوغ از طرف روانشناسان بلوغ و صاحب نظران سایر حوزه های مورد بررسی قرار گرفته است. اکثریت قریب به اتفاق صاحب نظران در مورد واژه های بلوغ و نوجوانی توافق ندارند و معمولاً پیدا کردن نظریه ای مشترک بین آنها کار دشواری است. عمدتاً توجه به تغییرات جنسی در اکثریت تعاریف مورد تأکید بوده است و بلوغ را مرحله شروع تغییرات جسمی و جنسی دانسته اند که در آغاز نوجوانی اتفاق می افتد.

عوامل مؤثر در بلوغ

در این مقوله روان شناسی بلوغ تأثیر عوامل چون عوامل اجتماعی، اقتصادی، زمان، عوامل عصبی و هورمونی را مورد بررسی قرار می دهد. از آن جایی که بلوغ به عنوان یک مفهوم کلی و گسترده جنبه های مختلفی از رشد را غافل می شود مثل بلوغ جنسی و جسمی، بلوغ عاطفی، بلوغ اجتماعی، بلوغ اقتصادی و... روان شناسی بلوغ علاوه بر ارتباط تنگاتنگ و عمیق خود با سایر حوزه های روان شناختی همچون روان شناسی رشد، روان شناسی شخصیت، روان شناسی بالینی و مشاوره با دیگر شاخه های علمی نیز ارتباط گسترده ای دارد.

بلوغ از دیدگاه روان شناسان:

پژوهشگران تا پیش از دهه هشتاد میلادی به نقش بلوغ در تحول نوجوانان توجه زیادی نداشتند شاید به این علت که در آن سالها بررسی الگوهای بدنی و جنسی اشخاص جالب توجه نمودند.

1- از دید کاپلان و بارون: خصوصیات شخصی را که از لحاظ عاطفی بالغ است بررسی کرده می گوید او قابلیت مقاومت در برابر تأخیر در ارضای نیازها را دارد او توان تحمل میزان معقول ناکامی را دارد او به طرح و

نقشه دراز مدت، معتقد است و می تواند توقعات خویش را بر مبنای اقتصادی موقعیت به تعویق اندازد یا در آن تجدید نظر کند.

2- از نظر والتر، دی، اسمیت سون: بلوغ عاطفی جریانی است که طی آن شخصیت فرد مداوماً برای احراز بیش از پیش سلامت عاطفی از لحاظ روانی و فردی می کوشد.

3- ال. ای هولینگ ورث: برخی از خصوصیات اشخاصی که بلوغ عاطفی دارند را این چنین برمی شمارد:

1- او قادر به پاسخگویی تدریجی یا درجه ای از پاسخهای عاطفی است او به طریق همه یا هیچ پاسخ نمی دهد بلکه حد خود را نگه می دارد اگر کلاش را باد برد دستپاچه نمی شود.

2- همچنین می تواند پاسخ های خود را به تأخیر اندازد. آنچنان که به تکنشوری فرد عالی را به تأخیر می انداخت.

3- کنترل ترحم نسبت به خود او به جای نشان دادن ترحم به خود نا آرام می کوشد آن را برای خود احساس کند.

4- طبق نظر بارنارد: معیارهای رفتار عاطفی بالغ به شرح زیر است:

- بازداري بيان مستقيم منفي
- پرورش عواطف مثبت و پیشرو

- تکامل تحمل در شرایط نامطلوب و افزایش رضایت از پاسخهای اجتماعی مطلوب
- افزایش وابستگی به اعمال
- توانایی انتخاب از میان شقوق گوناگون
- رهایی از ترس نامعقول
- درک و عمل مطابق محدودیت ها
- توانایی کسب پیروزی و حیثیت با متانت
- لذت از زندگی روزمره
- آگاهی از توان و پیشرفت دیگران

5- از نظر کول: برجسته ترین علامت بلوغ عاطفی توانایی تحمل تنش است یک علامت دیگر بی تفاوتی به برخی از انواع محرکات است که بر کودکان یا نوجوانان اثر می کند و او را بی حوصله یا دستخوش احساسات می نماید. بعلاوه شخص بالغ از نظر عاطفی پیوسته دارای گنجایش شادی و تفریح است او از کار و تفریح هر دو لذت می برد.

6- از نظر فرد مک کینی: افرادی که از لحاظ عاطفی بالغ هستند دارای خصوصیات زیرند: مایل به غیر همجنس، درک نگرش و رفتار دیگران، میل به پذیرش نگرش ها و عادات دیگران و قابلیت تأخیر پاسخ های خود

7- از دید سئول: اگر رشد عاطفی فردی با انسبه کامل باشد قابلیت انطباق او بالاست، تمایلات بازگشتی او کم است و حساسیت های او در حداقل است. مرتباً برای نیل به تلفیق سالم احساس، تفکر و عمل می کوشد.

8- مورگان: یک نظر کارآمد درباره بلوغ عاطفی باید تمام حیطة فردیت، نیروها و توانایی لذت از این نیروها را در نظر بگیرد.

عاطفه چیست:

کودک در اوایل تولد خود 2 احساس بیشتر ندارد یکی احساس خوشحالی و دیگری ناراحتی که عکس العمل اولی خنده و دومی گریه است این احساس اولیه که لذت و الم مقدماتی می باشد انفعال نیز گفته می شود ولی به مرور که سن افزایش یابد و کودک بتواند به تجزیه و تحلیل انگیزه ها پرداخته و در ذهن خود تغییراتی را به عمل آورد می بینم که یک انگیزه ممکن است انفعالات مختلفی به وجود آورد که ترکیب آن ها یک حالت بخصوصی به وجود می آورد که به آن عاطفه می گوئیم از همین لحاظ است که گودیناف گفته است کسانی که بتوانند در مقابل عواطف استقامت نموده و آن را کنترل نماید افرادی سعادت مند می باشند زیرا «گزل»

عواطف بر استقامت شخص در مقابل حوادث و محرکهای اجتماعی می افزاید او می گوید تمام بدبختی های بشری از بی انضباطی هیجانات و عواطف شدید آن حاصل می گردد هوش و دانش و استعداد در مقابل عواطف شدیدی اثر و قطره ای هستند در دریای عواطف. اگر شخص به بلوغ برسد به ندرت تسلیم هیجانات می شود و حرکات نامطبوعی ظاهر می سازد.

«جایگاه عاطفه در مغز از نظر زیستی»

آنتونیوراماسید معتقد است که عواطف در تصمیم گیری ها و رفتار اجتماعی ما نقشی مثبت دارند، و نیز اینکه بیمارانی که در ناحیه ونترومیڈیال (قسمت پیشین قطعه پیشانی) دچار ضایعه شده باشند قادر به احساس عواطف نیستند و در نتیجه فاقد تصمیم گیری درست و رفتار اجتماعی معقول (که تا حدودی از معیارهای بلوغ عاطفی است) هستند. اگر نظریه راماسید درست باشد ممکن است لازم باشد که ما در تصورات و عقاید خود نسبت به اراده آزاد مسئولیت اخلاقی وجدان اجتماعی و بسیاری از مسائل دیگر تجدید نظر کنیم.

همه این نتایج برگرفته از دو آزمایش است که دانشمندان و محققانی در مورد آسیب دیدگی مغز فردی که مغزش مورد صدمه یک میله آهنی بر اثر انفجار شده

بود و دیگری توموری که در مغز موری رشد کرده بود انجام شده و تحقیقات به عمل آمده این طور نشان می داد که افرادی که آسیبی در قسمتی از مغز خود داشتند دچار تغییر شخصیت و و خلق و خو شده بودند که با پیگیری و بررسی این دانشمندان مشخص شد که ناحیه مشخصی در مغز وجود دارد که آسیب دیدنش موجب تغییر عواطف می شود.

«مراحل تشکیل هویت در جوانان دانشگاهی»

متخصصین عقیده دارند بحران هویت در نوجوانان دبیرستانی ناشی از مسائل جدی می باشد که آیا با گروه هم سن تطابق یابند یا قضاوت اخلاقی و ارزشهای شخصی را حفظ نمایند، به تغییرات جسمی خود چگونه بنگرند در نظام اجتماعی دبیرستان چه نقشی را به عهده گیرند در حالیکه جوانانی که دبیرستان را به اتمام رسانده اند مسائل هویت را در قالب نقشهای آتی اجتماعی، شغلی و ارزش می شناسد.

الگوی تحول روانی- اجتماعی

در الگوی تحول روانی- اجتماعی، اریک اریکسون و رابرت هویهورست بر نقش کلیدی و مهم توالی زمان وقوه رویدادهای زندگی به عنوان عوامل تعیین کننده تحول تأکید دارند. سازگاری بستگی به این دارد که

افراد تکالیف مهمی را که در موقعیتهای مختلف زندگی
 تان مواجهه می شوند. با موفقیت پشت سر گذرانید.
 این تکالیف شامل کسب مهارتهای اجتماعی و شناختی است
 که البته ارزش آنها، به فرهنگ و جامعه ای که فرد
 در آن زندگی می کند بستگی دارد. اریکسون هشت
 مرحله تحول روانی- اجتماعی را که شامل دوره زندگی
 است توصیف کرده :

مراحل تحول در نظریه اریکسون

مرحله	تکالیف تحوی
طفولیت نوپا	اعتماد در برابر عدم اعتماد- طفل نسبت به مراقبان خود دارای اعتمادیابی اعتماد خواهد بود.
اوایل کودکی اواسط کودکی	خود پیروی در برابر تردید- نوپا نسبت به توانایی های جدید خود احساس غرور و شک می کند. ابتکار در برابر احساس گناه - کودک از خود ابتکار نشان می دهد یا می ترسد.
نوجوان ی	کارایی در برابر احساس حقارت - کودک مهارتهای جدید را فرا می گیرد و یا احساس حقارت می کند. هویت یابی در برابر سردرگمی- نوجوان هویت قابل قبول خود را کسب می کند یا دچار سردرگمی می شود.
اوایل بزرگسالی	صمیمیت در برابر کناره جویی- جوانان به برقراری روابط نزدیک با دیگران می پردازند یا منزوی می شوند.
اواخر بزرگسالی ی	باروری، تمامیت در برابر نومییدی - شخص در پایان عمر از زندگی خود رضایت خاطر یا احساس عدم کامیابی دارد.

در هر هشت مرحله افراد با تکالیف متمایز، تعارضات
 و چالشهایی روبرو می شوند. آمادگی برای نشان دادن
 یک تکلیف خاص، به بالیدگی زیست شناختی و انگیزه
 شخص بستگی دارد. (اریکسون، 1963)

هویهورست (1972) تکلیف تحوی را به این صورت تعریف کرد که اگر فردی موضوع معینی را در زندگی با موفقیت پشت سر گذارد، شادکامی و موفقیت وی سبب پیروزی می شود و شکست سبب عدم شادکامی و تأثیر فرد توسط اجتماع شده و فرد با تکالیف بعدی نیز دچار مشکل می شود. اکثر تکالیف تحوی مانند خودبسندهی، هویت یابی بزرگسالی و یا اکتساب ارزشها، اختصاص به دوره خاصی از زندگی (نظیر نوجوانی) فرصتهای بهتری را برای کار روی این تکالیف فراهم می کند. هویهورست هشت تکلیف را که بیشتر نوجوانان باید قبل از بزرگسالی نشان دهند (اما احتمال دارد به طور کامل انجام ندهند) توصیف کرده است.

«تکالیف تحوی هویهورست برای نوجوانان»

- شکل گیری بالیدگی روابط با همسالان مذکر و مؤنث
- سازگاری نقش احتمالی زنانگی یا مردانگی
- وضع جسمانی مورد قبول شخص
- استقلال عاطفی از والدین یا سایر بزرگسالان
- آمادگی برای ازدواج و تشکیل خانواده
- آمادگی شخص برای اشتغال و تأمین نیازهای مالی خود
- کسب ارزشهایی که رفتار شخص را هدایت می کنند.

- برعهده گرفتن مسئولیتهای اجتماعی (هویهورست،
1972)

که هر کدام از این تکالیف فرعی هشتگانه در شکلی
گیری هویت شخص نقش دارند.

نحوه چالش و انجام تکالیف ویژه ای که فرد با آنها
روبرو می شود به عوامل گوناگونی نظیر :

جنس، فرهنگ، گروههای نژادی و موقعیتهایی که شخص
در آن قرار می گیرد بستگی دارد. تکالیف ویژه زندگی
شامل کسب نمرات مطلوب در آزمونها، رانندگی اتومبیل،
ارتباط خوب با دیگران یا آموختن مواد درسی است.

تعدادی از تکالیف نظیر اکتساب مجموعه ای از ارزشها،
در تعداد زیادی از نوجوانان که زمینه زندگی مشابهی
ندارند ممکن است وجود داشته باشد. اما به طور کلی
نوجوانان در فرهنگها، جوامع و یا نژادهای مختلف با
تکالیف گوناگون و موضوع های متنوعی در زندگی.

رشد و تکامل هیجانی و عاطفی

انسانیت انسان عمدتاً با عواطفش شناخته می شود هر
فرد عادی می داند که دارای عواطفی است و زندگی
بدون عواطف، زندگی تیره و مکانیکی و بی رنگ خواهد
بود. از طرف دیگر سلامت روانی و عقلی شخص به علامت
روانی او بستگی دارد. زیرا نظر شخص نسبت به خودش،

دیگران، اوضاع اجتماعی، و زندگی به طور کلی از چگونگی رشد و تکامل عواطف وی متأثر می شود. داوریهایی هر فرد به کیفیت عواطف او بستگی دارد و شخصی که از رشد عالم هیجانی و عاطفی بهره مند نباشد هرگز فردی واقع بین، نیک اندیش، درست کردار نخواهد بود. در واقع زندگی سعادت‌مندان به رشد سالم و طبیعی عواطف شخص رابطه مستقیم دارد.

رشد هیجانی و عاطفی در نوجوان:

هیجان فرد با دو عالم خارجی و داخلی فرد بستگی دارد هیجانها و عواطف نوجوان غالباً با خصایص زیر مشخص می شوند:

1- شدت: هیجانها و عواطف نوجوان به صورت شدید ظاهر می شود.

2- سرعت: نوجوان از محرکهای هیجانی به سرعت متأثر می شود و علت آن تأثیر سریع، پیدایش اختلال در تعادل غدد داخل و تغییر گرایش او نسبت به محیط است.

3- افسردگی: گاهی نوجوان در بیان و تعبیر هیجانهایش شک می کند آن ها را از ترس انتقاد و سرزنش مردم ظاهر نمی کند.

4- عدم کنترل: گاهی نوجوان در تعبیر هیجانهای خود بیباک می شود به کارهایی اقدام می کند ولی بعداً پشیمان می شود. و به سرزنش خود می پردازد.

5- ناپایداری: پاسخ های عاطفی در نوجوانان ناپایدارند. علت ناپایداری عواطف در نوجوانان تغییرات بلوغي و تردیدهای اجتماعی است که دائماً موجب پیدایش تنش عاطفی در نوجوان می شود.

6- ناشیگری: نوجوان در اظهار یک پاسخ عاطفی تازه بی تجربه است مثلاً نمی داند که محبت خود را نسبت به جنس مختلف چگونه نشان دهد.

نیازهای عاطفی فرد و اهمیت آن ها:

1- نیاز به تعلق خاطر: هر فرد در زندگی می خواهد خود را به گروه یا جماعتی متعلق بداند این احتیاج فرد را می توان با تشکیل گروههای مختلف ارضا کرد.

2- نیاز به محبت متقابل: فرد در تمام زندگی نیازمند است که مورد محبت قرار گیرد.

3- نیاز به موفقیت: هر کس در زندگی می کوشد در کارها و فعالیت های خود کامیاب شود.

4- نیاز به امنیت اقتصادی: فرد باید از لحاظ مالی و اقتصادی اطمینان داشته باشد.

5- نیاز به آزادی از ترس: فرد نیازمند است از هرگونه ترس و اضطراب آزاد باشد.

6- نیاز به آزادی از گناه: این نیاز فرد را هنگام انجام گناه به رفتار برون فکني یا دلیل تراشي وادار مي کند.

7- نیاز به همدردی: هر فرد می خواهد در ناراحتی افراد همدردی کند و از دیگران انتظار دارد که به همدردی او علاقه نشان دهند.

8- نیاز به شناخته شدن و پذیرفتگی: هر فرد نیازمند است تا دیگران شخصیت و فردیت او را دریابند و بپذیرند.

رشد و تکامل اجتماعی:

رشد اجتماعی فرد مانند سایر جنبه های رشدی او گسترش پیدا می کند و تقریباً همه فعالیت های او را تحت تأثیر قرار می دهد. بستگی میان رفتار اجتماعی و هیجانی (عاطفی) فرد به قدری زیاد و پیچیده است چنانکه به طور دقیق نمی توانیم اجتماعی یا عاطفی بودن بعضی از علامت های رفتار مانند حسادت، کمرویی و ترس و محبت را بشناسیم.

منظور از رشد اجتماعی چنانکه اشاره شد فرد در روابط اجتماعی است به طوری که بتواند با افراد

جامعه اش، هماهنگ و سازگار باشد. فرد همه مفاهیم، احساسات، گرایش ها و مهارتهای خود را در زمینه ای از زندگی گروهی کسب می کند. رفتار فرد به اعتبار اینکه یک موجود زنده اجتماعی است قدم به قدم با رشد فردیت او تغییر می یابد و این رشد اجتماعی و فردی شخصیت فرد را کامل می کند.

ترک خانه پدری:

ترک کردن خانه پدری گام مهمی در قبول مسئولیت و کسب استقلال است. میانگین سن ترک کردن خانه پدری در سالهای اخیر افزایش یافته است. این که فرد در چه سنی خانه پدری را ترک کند دلایل متعددی دارد. ترک خانه برای تحصیلات معمولاً در سنین پائین صورت می گیرد و ترک کردن برای کار تمام وقت و ازدواج در سنین بالا روی می دهد. ازدواج رایج ترین علت ترک خانه پدری می باشد. نزدیک به نیمی از جوانان بعد از ترک مقدماتی خانه پدری برای مدت کوتاهی برمی گردند آنهایی که به قصد ازدواج می روند به احتمال کمی برمی گردند وقتی افراد در مسیر استقلال با پیچ و خمهای غیر منتظره ای مواجه می شوند خانه پدری آشیانه و پایگاه امنی برای آن ها به شمار می رود در صورتی که جوانان برای استقلال آماده شده باشند ترک کردن خانه پدری با تعامل والد- فرزند رضایت بخش و

انتقال موفقیت آمیز به نقش‌های بزرگسالی ارتباط دارد.

تأثیر روانی وارد شدن به دانشگاه

خیلی از افراد وقتی به مسیر زندگی خود فکر می‌کنند سال‌های کالج را سازنده و با نفوذ می‌دانند دانشگاه افراد با دوستان جدیدی و استادانی که عقاید متفاوتی دارند آزادیها و فرصتهای تازه و درخواستهای جدید علمی و اجتماعی مواجه می‌سازد. دانشگاه باعث می‌شود تا دانشجویان بهتر بتوانند در مورد مسایلی که پاسخ روشنی ندارد از دلیل و منطق استفاده کنند و قوتها و ضعفهای دشوار را تشخیص دهند. دانشجویان در سالهای آخر خود آگاهی بیشتر، عزت نفس بهتر و درک هویت عمیق تری را پرورش می‌دهند.

تعادل عاطفی و روانی نوجوان:

بلوغ از لحاظ روانی یعنی دوره نگرانیها و از لحاظ عاطفی یعنی دوره ترس و وحشت. همانطور که از لحاظ جسمی در شروع بلوغ جهشی در رشد و نمو اعضای بدن پدیدار می‌گردد تغییر ناگهانی حالات روانی نوجوان را هم می‌توان در دوران بلوغ یک نوع جهش روانی و عاطفی دانست. این جهش و تغییر ناگهانی باعث می‌شود که تعادل و هماهنگی بین جسم و روان در نوجوان از بین

برود و نوجوان را دستخوش یک انقلاب روانی نماید به همین جهت «گزل» دوران بلوغ را از لحاظ روانی دوره نگرانیها و از لحاظ عاطفی دوره ترس و وحشت نامیده است.

فروید و پیروانش در مورد تغییرات و حالات روانی در دوران بلوغ معتقدند که «من» نوجوان می خواهد به «من» جدیدی تبدیل گردد و قبول این «من جدید» که قدری مشکل می باشد و نوجوان را دچار تردید و ابهام کرده یک حالت روانی مخصوص دوران بلوغ به او دست می دهد گاهی از اوقات نوجوان «من» جدید را قبول نکرده و پس می راند و این موقعی است که بعضی از جوانان به حرکات بچه گانه برمی گردند.

متأسفانه عاطفه در نوجوان کلمه ای است که از آن بوی آشفستگی و هیجان می آید سعادت در کنترل عواطف است و ناراحتی ها و بدبختی ها در شدت آن. هوش و استعداد خطرانی هستند در دریای عواطف.

بلوغ عاطفی یعنی کنترل عواطف. عواطف ولو نامطبوع باشد اگر بر اعتدال باشد دارای ارزش و موجب موفقیت است.

خودمحوری نوجوانان

کودکان کم سن و سال به خودمحوری، لجبازی، خودخواهی، تکانشی و پرتوقع بودن شهرت دارند آنان به شدت از

تلاشها و فداکاریهای والدینشان قدردانی می کنند. پیازه نیز از واژه خودمحموری استفاده می کند که اشاره به این که کودکان به دشواری می توانند بین عقاید و رفتار خود با دیگران تفاوت قائل شود. پیازه توضیح می دهد که بارشده ما تفکرمان نیز به تدریج از خودمحموری به سمت واقع گرایی پیش می رود به عبارت دیگر بارشده و اجتماعی شدن بهتر قادر خواهیم بود تا به موضوعات و احساسات و مسائل ازجمله های مختلف بنگریم. نوجوانان تفاوت اشخاص در زمینه های شخصیت رفتار و نظراتشان را درک می کنند و در بسیاری از اوقات این احساس را در نوجوانان پدید می آورد که آنان به تفاوت های فردی خود با دیگران پی ببرند و دریابند که موجودی یگانه هستند هرچند خودمحموری در نوجوانان در مقایسه با کودکان تا اندازه ای کاهش می یابند اما نوجوانان هنوز علاقه زیادی دارند تا دریابند دیگران راجع به آنها چه برداشتی دارند.

خودپنداره و انواع خود:

اریکسون مدعی است خودپنداره و عزت نفس بیش از آن که هویت شخص پدید بیاید وجود دارد و در نهایت جزئی از هویت فرد می شود. توانایی ما در برداشت مجزا از دیگران در حین برقراری ارتباط با سایرین در نهایت

هویت‌مان را شکل می‌دهد. در مقابل مفهوم هویت اغلب مفهوم خود به طور مترادف با مفهوم شخصیت به کار برده می‌شود که شامل صفات و رفتارهای قابل مشاهده شخص است و او را از سایرین متمایز می‌سازد. خود پنداره سالم اگر واقعاً وجود داشته باشد خود را تشکیل می‌دهد.

بسیاری از نظریه پردازان معتقدند تمایز قائل شدن بین خودهای متفاوت سودمند می‌باشد و می‌توانیم تفاوت نقش خود جنسی، خود اجتماعی، خود دانشگاهی را مطرح کنیم.

خود حقیقی: معادل خودپنداره است این که ما چه نظری درباره خودمان داریم نوجوانان خود حقیقی خود را به صورت «احساس واقعی من این است» بیان می‌دارند.

خود کاذب: به این که ما می‌خواهیم دیگران چگونه درباره ما فکر کنند اشاره دارد نوجوانان گزارش می‌دهند بیشتر اوقات از انجام اموری که خود واقعی آنان را نشان نمی‌دهند لذت می‌برند. خود کاذب هنگامی که شخص از عدم تأیید یا طرد می‌ترسد به طور گسترده به کار برده می‌شود و این قبیل رفتارها ناسازگارانه محسوب می‌شود.

خود ایدآل: به اینکه دوست داریم چگونه باشیم اشاره دارد. خود ایده آل معمولاً در برگیرنده ویژگی‌هایی

است که در سایرین مشاهده و مورد تحسین قرار می دهیم.

خود عمومی: هم به آن چه که دیگران به طور واقعی در ما می بینند اشاره دارد. شیوه ای که ما خود را در معرض دید عموم قرار می دهیم از قرار معلوم نشان دهنده این است که انتظار داریم دیگران چطور ما را ارزیابی می کنند.

خود ممکن: کمک کردن به نوجوانان که احساس خود را نسبت به تجارب گذشته و حال سازمان دهند

الگوی اریک اریکسون درباره هویت:

اریکسون معتقد است که در هر یک از مراحل زندگی ما با تکالیف یا چالشهای تحولی مجزایی روبرو هستیم. اریکسون هشت مرحله زندگی را مشخص کرد که شخص در هر یک از این مراحل با یک تکلیف تحولی که به اعتقاد وی در هر دوره قطعی است مواجه می باشد. اریکسون چنین اعتقاد داشت که نوجوانی دوره ای مناسب برای تجدید نظر در هویت کودکی و نیز بازسازی هویت بزرگسالی محسوب می شود. کسانی که مرحله تحول روانی اجتماعی را با موفقیت گذرانده باشند به احتمال زیاد در دوران نوجوانی موضوع هویت را نیز حل خواهند کرد. بعد شخصی هویت بر اساس نظر اریکسون شامل:

ایدئولوژی شخص (برای مثال عقاید درباره مذهب، سیاست، پول) انتظارات شغلی، ملیت و جنسیت و قومیت می باشد. بعد اجتماعی هویت نیز شامل بسیاری از نقشهایی است که انسانها در زندگی ایفا می کنند
نظیر:

دانش آموزان، والدین، همشهریان، مصرف کنندگان، کارکنان. هویت همچنین احساس روانی اجتماعی از بهزیستی و احساسی از درک این که شخص به کجا می رود فراهم می کند. مراحل تحول روانی اجتماعی یک نتیجه مثبت، منفی و یا آمیخته دارد. بیشتر نوجوانان در نهایت به هویت شخصی واقع گرایانه دست می یابند (پیامد مثبت). ممکن است بیشتر کسانی که وارد دوران بزرگسالی می شوند جایگاه نامعینی در دنیا داشته باشند (پیامد منفی که به عنوان سردرگمی هویت می شناسیم)

بیشتر نوجوانان نیز ترکیبی از هویت شخصی و سردرگمی هویت را تجربه می کنند (پیامد آمیخته). برای کسب هویت معنادار بزرگسالی لازم است تا شخص در طیف گسترده ای از نقشها (نظیر مراقب بچه، کارمند، ورزشکار) به تجربه پردازد و خود را با اشخاص مهم در محیط اجتماعی مقایسه کند. به عقیده اریکسون موفقیت شخص در انجام تکالیف دوران بزرگسالی او نظیر ازدواج و تعیین مسیر زندگی به چگونگی حل بحران هویت او وابسته است. هنگامی که سه بعد، من، شخص و

اجتماع با یکدیگر ترکیب شوند احتمال زیادی وجود دارد که بحران هویت نیز برطرف شود وقتی که توانمندیها و علاقه های یک شخص جوان متناسب با فرصتهای محیط اجتماعی با یکدیگر پیوند بخورند بحران هویت نیز حل می شوند.

آسیب پذیری و انعطاف پذیری در فرد:

به طور طبیعی بین شرایط زندگی دشوار و توانایی اشخاص در سازگاری با این شرایط همبستگی وجود دارد کودکانی که در محیط با ثبات و حمایت کننده خانواده پرورش یافته اند معمولا با شرایط زندگی کنار می آیند و در حالی که کسانی که در فضایی آکنده از خشونت مورد سوء استفاده عاطفی قرار می گیرند احتمال بروز مشکلات رفتاری و عاطفی در آن ها بیشتر است هر شخص عوامل خطر ساز مختص به خود را داراست. آسیب پذیری به زمینه و آمادگی شخص برای ابتلا به یک بیماری یا شکل سازش اشاره دارد. آسیب پذیری در هنگام گذار افزایش می یابد برای مثال در موقع بلوغ یا هنگام تغییر دادن مکان.

عوامل حفاظتی انعطاف پذیری:

1- عوامل شخصیتی 2- عوامل موقعیتی 3- عوامل خانوادگی

1- عوامل شخصیتی:

- قابلیت سازگاری، بهبودی سریع در برابر ناگواریها
- تفکر مثبت داشتن
- داشتن خلق و خوی آسان گیر
- برخورداری از عزت نفس
- داشتن تحمل بالا در ناکامی
- پایداری

2- عوامل موقعیتی:

- کاهش عوامل خطر ساز
- مکان حمایت کننده
- شناخت مجدد مهارتها
- بهره گیری از ساختارهای حمایتی (غیر از خانواده)

3- عوامل خانوادگی:

- داشتن روابط خوب با والدین حمایت کننده
- طلب یاری از دیگر بزرگان خانواده
- داشتن الگوی مقابله ای مثبت

«انواع هویت»

جیمز مارشیا 1966 تا امروز کاملترین تصویر را از شکافهای منظمی که در تحول شکل گیری هویت وجود دارد ترسیم نموده است.

نظريه مارشيا - مارشيا بوسيلة مصاحبه هاي نيمه باز با جوانان دانشگاهي، روش تحقيقي که براي محققين رشد شناختي آشنا و متداول مي باشد، مراحل رشد رواني اجتماعي را طبقه بندي نمود.

مارشيا طي مصاحبه، سئوالاتي در سه زمينه مورد توجه دانشجويان مطرح مي نمود:

زمينه شغلي، ايدئولوژي مذهبي و ايدئولوژي سياسي.

او به دانشجويان فرصت مي داد که راجع به عقايد خود به درازا صحبت کنند.

مثلا مي پرسيد «چگونه عقايد سياسي خود را با عقايد ساير مردم مقايسه مي نمائيد؟» (ايدئولوژي سياسي)

در مورد دين و مذهب مي پرسيد «تا به حال شده راجع به هيچ يك از عقايد مذهبي خود شك نمائيد؟» در مورد شغل او مي پرسيد، «چگونه، به رشد و شغل- علاقمند شده ايد؟» البته منتج شدن اين رويکرد به نتايج اطلاعاتي بستگي به مهارت مصاحبه گر دارد که محرك تفکر انديشمندان باشد، نه آن را هدايت نمايد.

خوشبختانه مارشيا و گروهش مشاوران بسيار ماهري بودند که سکوت را براحتي مي پذيرفتند و مي توانستند يك سري سئالات متعدد نيمه باز بپرسند تا اينکه قانع مي شدند که نمونه خوبي از جهان بين دانشجويان در زمينه بخصوصي بدست آورده اند. بر اساس يك سري مطالعات که از اين روش استفاده مي

نمایند، مارشیا دریافت که می تواند تفکر دانشجویان را بر اساس 4 جنبه مشخص تشکیل هویت طبقه بندی نماید:

هویت مغشوش یا سر در گم (یا به اصطلاح گیجی نقش)
Identity Diffusion

به يك حالت تعلیق در زندگی مربوط می شود. بندرت تعمدي نسبت به اشخاص، عقاید یا اصول وجود دارد. در عوض تأکید عمده به نسبت و زندگی برای لحظه می باشد. از هیچ زمینه ارضاء شخصی صرف نظر نمی گردد همه چیز ممکن است به نظر می رسد فرد از درون خالی است.

هویت زودرس *Identity foreclosure*

از مشخصات آن اجتناب از انتخاب آزادانه است. فرد بیشتر توسط دیگری جهت داده می شود تا توسط خودش. بندرت سؤال می نماید، نقشی را که افراد قدرتمند یا دوستان با نفوذ به او توصیه می کنند، با فراغ بال می پذیرد.

هویت مهلت خواه یا دیدرس *Identity Moratorium*

این نوع هویت معمولاً نتیجه یک تصمیم نسنجیده و با تعمق می باشد که فرد به خود فرصتی می دهد تا از فشار ناشی از مدرسه، دانشگاه یا اولین شغل تا حدی خلاصی یابد. هدف اینست که فرصتی برای نفس کشیدن ایجاد کند تا طی آن فرد جنبه های روانی خود، و حقیقت عینی را بهتر کشف کرده و بشناسد. ممکن است تفاوت ظاهری و سطحی بین این هویت و هویت مغشوش یا سردرگم به نظر چندان قابل توجه نبوده مستلزم دقت و ریزبینی باشد. اما در عمق تفاوت اساسی وجود دارد.

هویت موفق یا پیشرفت یافته *Identity Achievement*

می توان گفت مرحله نهایی تشکیل هویت، به هویت موفق می انجامد. اریکسون 1995 در این مورد واضح ترین تألیف را می نماید. هرگاه نور بتواند بین تصویری که از یگانگی و ثبات درونی خود دارد و آن تصویری که دیگران از یگانگی و ثبات وی دارند هماهنگی ایجاد کند اعتماد به نفس حاصل می گردد. شخص به تدریج افکار راجع به خود و همانند سازهایی پیاپی کودکی را به هم پیوسته، حتی به ماوراء این فرمهای اولیه می رود تا یک ماهیت وجود شخصی، بعنوان فرد بی مانند بوجود آید. این جریان لزوماً دو طرفه می باشد. ظهور چنین فردیت و هدایت شخصی در نوجوان باید توسط

دیگران نیز تأیید گردد. این جنبه تشکیل هویت می تواند سخت ترین و اشکال برانگیزترین جنبه ها باشد زیرا چنین بازشناسی، نه خود به خود می باشد و نه الزاماً جهانی.

مجرانهای دوران نوجوانی:

بجای از فقدان فرصتهای مطلوب زندگی نوجوانان شاید به علت رشد سریع آنان باشد. هر چند آنها هنوز فرصت کافی یا تجارب بزرگسالان در مهارتهای حل مسأله یا منابع مقابله با مشکلاتی که با آن رو به رو هستند را ندارند. بسیاری از افراد به علت مشکلات عاطفی از دست والدین خود فرار می کنند. مشکلات ارتباطی، عاطفی، اقدام به خودکشی و رفتار ضد اجتماعی در سالهای نوجوانی به اوج خود می رسد. مشکلات شدید عاطفی و رفتاری بر مهارتهایی اجتماعی که برای داشتن زندگی سالم لازم است تأثیر می گذارد. نوجوانانی که با مشکلات سازگاری روبرو هستند اگر ملاحظات یا درمان صورت نگیرد در دوران بزرگسالی نیز با این قبیل مشکلات مواجه خواهند بود. با بررسی سازگاری نوجوانان و بهداشت روانی آن ها می توان به پاسخهای پیچیده دست یافت. این که چطور می توانیم فراوانی و اشکال مختلف اختلالات عاطفی و روان شناختی را بررسی کنیم؟ نوجوانی دوران بی ثباتی خلق و همکاری و بی

اعتنایي، اعتماد به نفس و کمرویی است. لوین معتقد است که در پدید آمدن مشکلات عاطفی و رفتاری نوجوان دوران کودکی تأثیری ندارد. اکثریت نوجوانان بدون بروز اختلالات عاطفی و روان شناختی وارد دوران بزرگسالی می شوند و ناسازگاری در دوران نوجوانی غیر قابل اجتناب و همگانی نیست اگر چه نوجوانی دوره سختی برای نوجوانان محسوب می شود اما عمدتاً با این قبیل احساسات (ناامیدی، پریشانی، تنهایی) به مقابله برمی خیزند و سعی دارند تا موقعیتها و شرایطی که این حالتها در آنها پدید می آورند را تصحیح کنند در نهایت بیشتر نوجوانان هویت یک بزرگسال واقع گرا را کسب می کند و بهداشت و سلامت روان فرد در امان می ماند.

2-3- پیشینه عملی

زندگی دور از خانه: یکی از ابتدایی ترین مسائل برای دانشجویان زندگی دور از خانواده است. در دوره کودکی جدا شدن کودک و والدین بیشتر رواج دارد اما بسیاری از نوجوانان که در خوابگاههای دانشجویی زندگی می کنند تنها چند هفته در سال والدین خود را می بینند. هنگامی که این وضع پیش می آید جدایی طولانی است اضطراب قابل توجهی را در تمام والدین ایجاد می کند با وجود این زندگی دور از

والدین برای نوجوان فرصتهایی را برای زندگی هر چه خصوصی تر و تصمیم گیری و بیشتر مستقل بودن فراهم می کند. والدین که بیش از حد وابسته فرزندانشان هستند نیز از جدایی های کوتاه مدت سود می برند. فاصله های فیزیکی کم می کند تا رابطه والدین نوجوان بیش از حد متقابل و عمیق بشود به نحوی که جدایی فیزیکی کم می کند والدین برخورد کودکانه با فرزندانشان متوقف کنند.

برمن واسپرلینگ در زمینه اینکه چگونه اقامت در خوابگاه بر دلبستگی دانشجویان سال اول دانشگاه با والدین ایشان تأثیر می گذارد تحقیق کردند. آنان این فرضیه را مطرح کردند که زندگی دور از خانواده دلبستگی دانشجویان ساکن خوابگاهها را نسبت به والدینشان در مقایسه با دانشجویانی که نزد والدینشان زندگی می کنند افزایش می دهد.

آنها از 86 دانشجو دوبار درباره دلبستگی آنان به والدینشان در طی سه هفته اول شروع ترم و سه هفته پایان ترم سؤالی پرسیدند. نتایج برعکس انتظار آنان بود، دلبستگی به والدین در دانشجویانی که در خوابگاه ساکن بودند ضعیف بود اما این دلبستگی در دانشجویان غیر خوابگاهی که در خانه در نزد والدینشان زندگی می کردند ثابت بود. زندگی جدا از والدین، و ایجاد ارتباط های جدید با همسالان ظاهراً

دلبستگی به والدین را برای دانشجویانی که در خوابگاه اقامت دارند کاهش می دهد جای تعجب نیست جدا زندگی کردن روابط بین والدین و نوجوانان را حداقل از دیدگاه نوجوانان بهبود می بخشد.

همچنین مشخص شد در مقایسه دانشجویانی که در خانه خود زندگی می کنند، کسانی که در خوابگاه بسر می برند از استقلال بیشتری برخوردارند و با والدینشان تقابل بیشتری دارند.

هنگامی که نوجوانان و والدین با یکدیگر زندگی می کنند تمایل دارند تا به جای بررسی اختلاف نظرات خود و حل این اختلافات از بحث کردن و حل اختلاف عقاید خود اجتناب کنند. تعارضات با والدین معمولاً در قالب مجادله های خفیف نمایان می شود و در نهایت عدم توافقات عمده، زندگی والدین و نوجوانان را وخیم می کند حتی دانشجویانی که در خوابگاه زندگی می کنند می گویند که آنها در فواصلی که در بین ترم به خانه برمی گردند بیشتر با والدینشان تعارض دارند. به یاد داشته باشیم که حتی هنگامی که والدین و فرزندان نشان به طور مجزا زندگی می کنند حمایت عاطفی والدین ادامه دارد و نقش اساسی را در سازگاری فرزندان نشان ایفا می کنند. (روانشناسی بلوغ و نوجوانی رشد 2 ص 22 توجه و تألیف آقا محمدیان و حسینی)

3-1- جامعه آماری

جامعه آماری: يك جامعه ممکن است نظیر جامعه بشری خیلی گسترده و وسیع باشد ولی در پژوهش از این گونه جوامع به علت نامحدود بودن آن ها کمتر استفاده می شود و به همین دلیل پژوهشگر سعی می کند که جامعه نامحدود را محدود کند در این تحقیق جامعه مورد بررسی ما عبارتست از:

کلیه دانشجویان خانم اعم از مجرد و متأهل در مقطع کارشناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان در سال تحصیلی

86-87

3-2- نمونه آماری و روش نمونه گیری:

در این پژوهش به روش نمونه گیری تصادفی ساده از بین کلیه دانشجویان خانم متأهل و مجرد دانشگاه سیستان و بلوچستان 80 نفر مجرد و 80 نفر متأهل انتخاب شدند که در رشته های مختلف در مقطع کارشناسی تحصیل می کردند و در مجموع نمونه انتخابی شامل 160 نفر دانشجویان می باشد.

3-3- ابزار گردآوری داده ها :

در این پژوهش داده ها به وسیله پرسشنامه مقیاس بلوغ عاطفی (EMS) از دکتر یاشویرینگ و دکتر ماهیش بهارگاو جمع آوری شده است. این پرسشنامه شامل 48 سؤال است که 10 سؤال اول آن معیار عدم ثبات عاطفی 10 سؤال دوم معیار بازگشت عاطفی و 10 سؤال سوم معیار ناسازگاری اجتماعی و 10 سؤال چهارم فروپاشی شخصیت و 8 سؤال آخر فقدان استقلال را می سنجد که به توضیح مختصر هر یک از آنها می پردازیم:

الف) معیار عدم ثبات عاطفی: این عامل مجموعه ای از عدم قابلیت در حل و فصل مشکلات، زودرنجی، نیازها، نیاز به کمک در کارهای روزمره، آسیب پذیری، لجاجت و تندخویی می باشد.

ب) معیار بازگشت عاطفی: بازگشت عاطفی هم گروه بزرگی از عوامل است که نماینده عواملی چون احساس حقارت، بیقراری، خصومت، پرخاشگری و خودمداری است.

ج) ناسازگاری اجتماعی: چنین شخصی فاقد قابلیت انطباق اجتماعی است دچار نفرت است گوشه گیر و در عین حال متکبر است دروغ می گوید و تنبلی می کند.

د) فروپاشي شخصیت: این عامل شامل کلیه علائمی است که نشان دهنده فروپاشی شخصیت است مانند واکنش سازی، هراس، دلیل تراشی، بدبینی و رفتار ضد اخلاقی است.

5- فقدان استقلال: چنین فردی وابستگی انگلی نسبت به دیگران نشان می دهد خودبین است رغبت های محسوس ندارد و مردم او را غیر قابل اعتماد می دانند. (EMS) یک مقیاس گزارش شخصی پنج گزینه ای است. سوالات این مقیاس خواستار اطلاعات برای هر یک از پنج گزینه ای است که در زیر می آید:

خیلی زیاد، زیاد، نامشخص، احتمالاً و هرگز. سوالات طوری بیان شده که اگر جواب مثبت مثلاً خیلی زیاد باشد نمره 5 تعلق می گیرد، برای زیاد 4، برای نامشخص 3 برای احتمالاً 2، و پاسخ منفی هرگز نمره 1 می گیرد. بنا براین هر چه نمره بالاتر باشد درجه بالاتری از عدم بلوغ عاطفی وجود دارد و بالعکس. پایایی این مقیاس توسط روش آزمون-آزمون مجدد و روش همسانی درونی تعیین شد.

تغییر نمرات

تغییر	نمرات
بسیار با ثبات	50-80
نسبتاً با ثبات	81-88

بي ثبات	89-106
بسيار بي ثبات	107-140

3-4- روش گردآوري داده ها :

بعد از برقراري يك رابطه خوب با آزمودني ها سؤالات و ورقه پاسخنامه را در اختيار آنها گذاشته مي شود و از آنها خواسته مي شود آن را بر حسب دستوراتي كه منظور اجراي تست را در اختيارشان گذاشته تكميل كند اجراي اين تست هم به صورت فردي و هم به صورت گروهي امكان پذير است.

فصل 4-1- «تجزيه و تحليل يافته ها»

در این پژوهش که در مورد بلوغ عاطفی و تفاوت آن در بین دو گروه مجرد و متأهل بوده است از آمار توصیفی (جدول فراوانی میانگین) استفاده شده است و نتیجه گیری بر اساس فرمول χ^2 مستقل بین دو گروه انجام گرفته است که در این روش ابتدا دو گروه از دانشجویان دختر متأهل و مجرد را انتخاب بر حسب تصادف کرده ایم و سپس تست را روی آنها اجرا کردیم. در مرحله بعد از طریق این روش آماری به مقایسه این دو گروه پرداخته شد بدین ترتیب آن ها به دو گروه تقسیم شدند و چهار مقیاس بسیار با ثبات، نسبتاً با ثبات، بی ثبات و بسیار بی ثبات بین آنها محاسبه شد که به قرار زیر است:

$$\chi^2 = \frac{(fe - fo^2)}{fe}$$

دو χ^2 خي

=Fe فراوانی مورد انتظار

=Fo فراوانی مشاهده شده

4-1-1-1 اطلاعات مربوط به سؤال اول پژوهش:

بر اساس فرمول بالا و انجام محاسبات آماری χ^2 ما با درجه آزادی 3 در سطح های 0/05 و 0/01 به ترتیب 7/81

و 11/34 می باشد و چون خی 2 بدست آمده (6/32) کوچکتر از x^2 جدول در سطح 0/01 است بنا بر این:

سؤال پژوهش ما که بدین قرار بود که آیا از نظر بلوغ عاطفی تفاوتی بین خانم های مجرد و متأهل است یا خیر؟ باید گفت خیر و اینکه تفاوت معناداری وجود ندارد به عبارت دیگر:

تفاوتی از نظر بلوغ عاطفی در بین دانشجویان خانم مجرد و متأهل بین 18 تا 30 سالگی مشاهده نشده است.

4-1-2 اطلاعات مربوط به سؤالهای 2 تا 5 پژوهش:

در معیار عدم ثبات عاطفی میانگین افراد مجرد بالاتر می باشد و نشان دهنده این است که افراد مجرد بیشتر از افراد متأهل عدم ثبات عاطفی دارند در بازگشت عاطفی نیز به همین صورت وجود دارد.

در سه معیار دیگر نیز همانطور که ملاحظه می شود افراد مجرد میانگین و جمع نمرات بیشتری را به خود اختصاص داده اند.

با درجه آزادی 3 سطح معناداری یا بی معنا بودن آن نیز از جدول خی 2 بدست آمد و در نهایت معنی داری این ضرایب مورد بررسی قرار گرفته شد.

جدول 4-1 «جدول فراوانی داده های مشاهده شده افراد مجرد و متأهل»

بسیار با ثبات	بسیار بی ثبات	نسبتاً با ثبات	بی ثبات	
40	25	8	7	مجرد
25	32	10	13	متأهل

$$x^2 = 6/32$$

$$P > \%1$$

2-4 داده های جانی

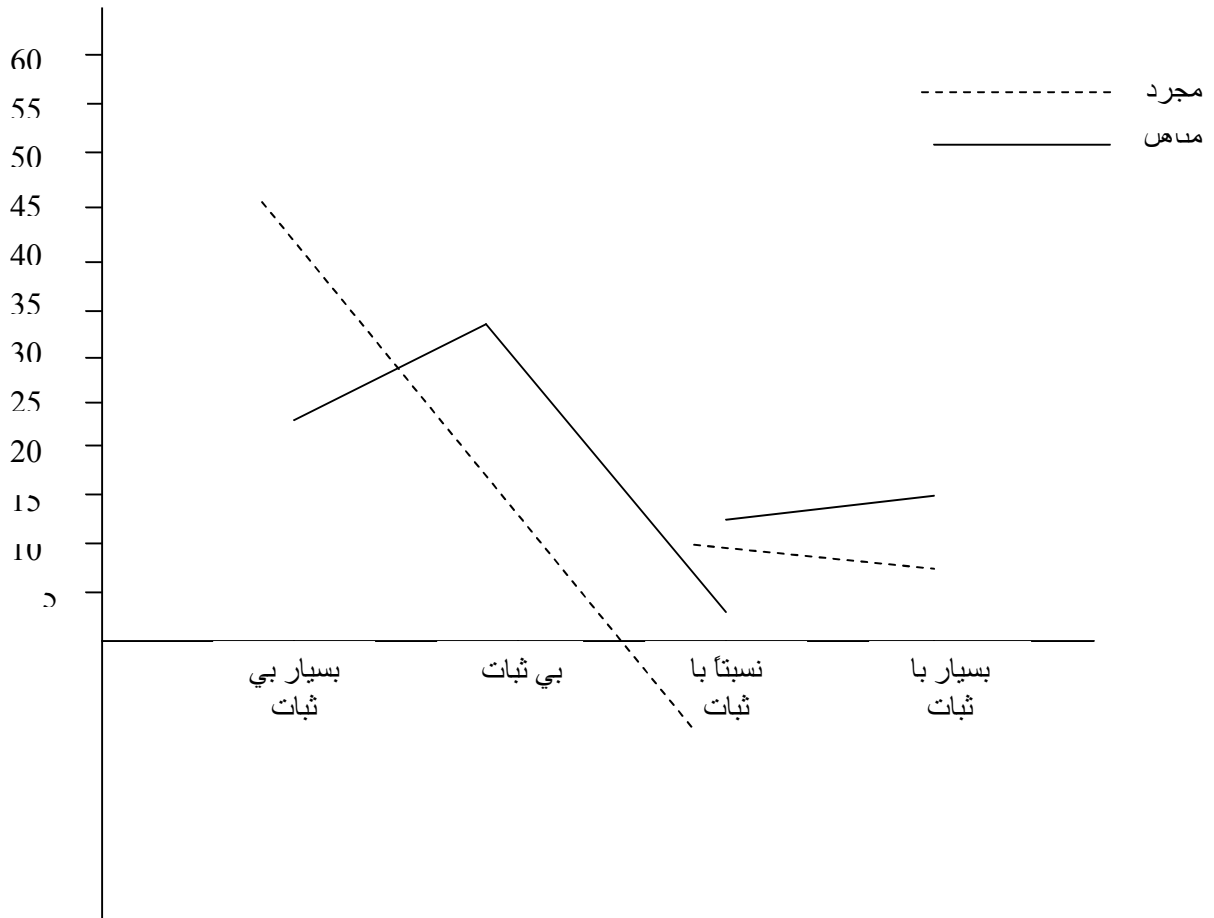
جدول 2-4-2 فراوانی میانگین و جمع نمرات بر اساس پنج معیار بلوغ عاطفی

استقلال	شخصیت	ناسازگار ی	بازگشت عاطفی	عدم ثبات عاطفی
1515 18/93	1612 20/15	1723 21/53	1838 22/97	جمع نمرات: 2015 میانگین، 25/18
1413 17/66	1475 18/43	1560 19/5	1636 20/45	جمع نمرات: 1899 میانگین 73/23

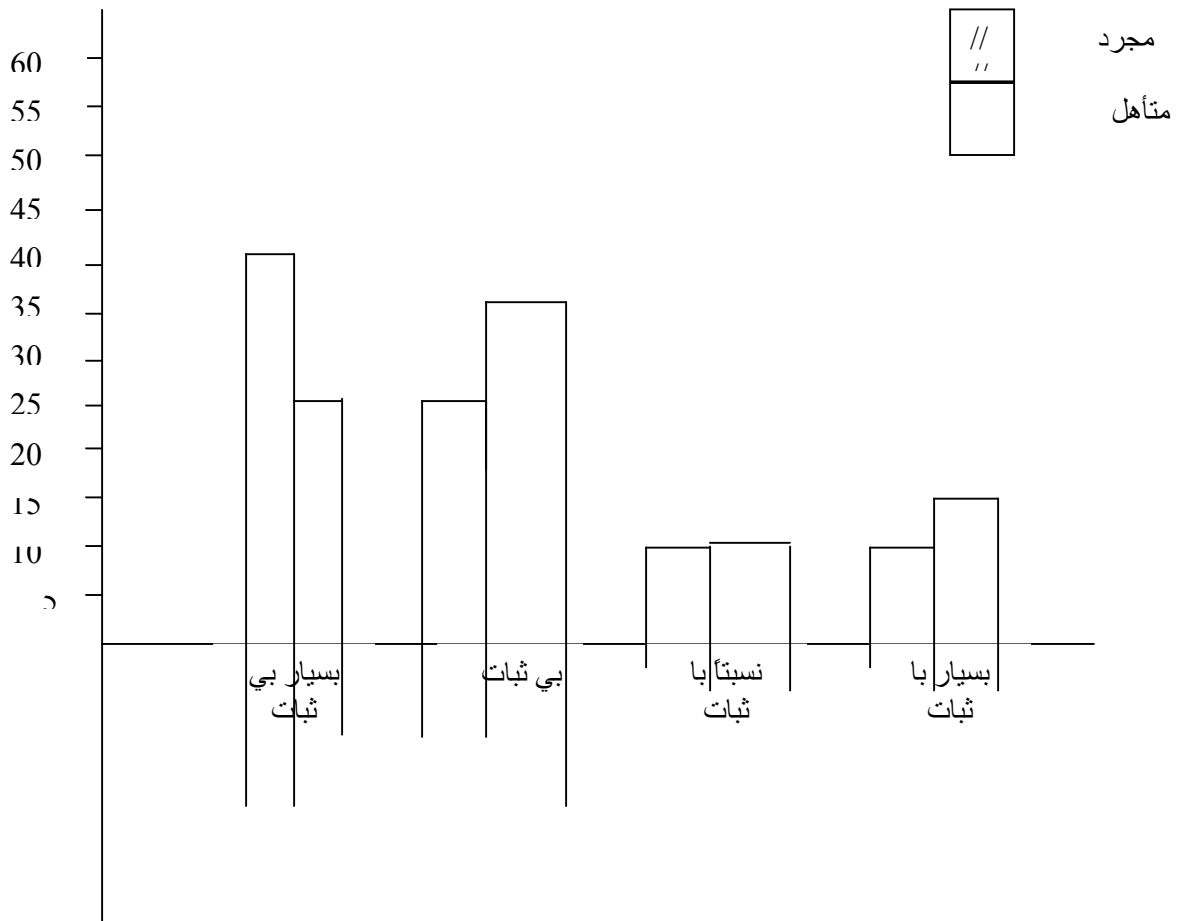
همانطور که در جدول بالا مشاهده می شود تفاوتی هر چند کم از نظر معیارهای بلوغ عاطفی در گروه مجرد و متأهل مشاهده می شود و تا اندازه ای می توانیم بگوییم که تفاوت معناداری از نظر بلوغ عاطفی در این دو گروه مشاهده می شود.

«نمودار چند ضلعي مقايسه اي فراواني مشاهده شده افراد مجرد و متأهل»

فراواني



«عمودار ستوني فراواني مشاهده شده افراد مجرد و متأهل»



1-5 «بجث و نتیجه گيري»

در شرایط حاضر نوجوانان و کودکان با مشکلات بسیار در زندگی خویش مواجه می شوند. این مشکلات موجب مسائل روان - تنی بسیاری چون اضطراب، تنش، ناکامی و آشفتگی عاطفی در زندگی روزمره می شوند. بنا بر این مطالعات حیات عاطفی بصورت یکی از علائم توصیفی مطرح می شود که قابل قیاس با علم تشریح است. این عمل با تأثیر متقابل نیروهائی با کیفیت و کمیت گوناگون سر و کار دارد.

ون کارت می گوید: از آنجا که خودپذیری جنبه عمده ای از بلوغ است باید بعد از پذیرش از طرف دیگران بیاید. در واقع بلوغ عاطفی نه فقط از عوامل مؤثر در الگوی شخصیت است بلکه به کنترل رشد نوجوان کمک می کند.

مفهوم رفتار عاطفی «بالغ» در هر سطحی حاصل رشد طبیعی عاطفی است. شخصی قادر به کنترل عواطف خویش است که تأخیر در ارضاء را تحمل کند، بدون اینکه تأسف بخورد و رنج بکشد، هنوز ممکن است از لحاظ عاطفی چون کودکان یا سراسیمه باشد.

کودکی که از لحاظ عاطفی بالغ است توان سازگاری مؤثر با خود، اعضای خانواده، هم درسان، جامعه و فرهنگ خویش را داراست. اما بلوغ صرفاً به معنای

قابلیت نگرش و عمل خاص نیست، بلکه توانایی لذت کامل از آنها را هم شامل می شود.

و اما کسانی که هنوز به بلوغ عاطفی دست پیدا نکرده اند دارای خصوصیتی به شرح زیر می باشند:

او چون کودکان عمل می کند، در جستجوی همدلی است، او خودپسند است، اهل دعوا، رفتار کودکانه دارد، خود-محور و پرتوقع است و اگر در بازی ببازد عصبانی می شود. (گیب 1942، بروگدن 1944 و کتل 1945)

معیارهای مورد سنجش بلوغ عاطفی در این پژوهش به قرار زیر می باشد:

1- عدم ثبات عاطفی

2- بازگشت عاطفی

3- ناسازگاری اجتماعی

4- فروپاشی شخصیت

5- فقدان استقلال

که هر کدام از اینها در فصل های پیش توضیح داده شده است و هر فردی باید تا حدی با این معیارها فاصله داشته باشد تا از نظر عاطفی فردی بالغ به نظر برسد.

در این میان دانشجویان بیشترین نقش را در سازندگی فردای جامعه دارند با این تعبیر، داشتن بلوغ عاطفی در افراد تا حدی ضروری می باشد با توجه به این

مهم بر آن شدیم تا میزان بلوغ عاطفی افراد دانشجوی خانم مجرد و متأهل بین 18 تا 30 سال دانشگاه سیستان و بلوچستان را بسنجیم که شرح آن به صورت زیر می باشد:

ابتدا 160 نفر آزمودنی را به طور تصادفی انتخاب کرده 80 نفر مجرد و 80 نفر متأهل و میزان بلوغ عاطفی آنها را بوسیله پرسشنامه بلوغ عاطفی یا شویرسینگ و بهاگاوا مورد بررسی قرار داده و در ارزیابی انجام گرفته معین شد که تفاوتی از نظر بلوغ عاطفی در بین دانشجویان خانم مجرد و متأهل 18 تا 30 سال دانشگاه سیستان و بلوچستان مشاهده نشده است. اما لازم به ذکر است که:

فراوانی مشاهده شده در جدول تعداد افرادی که از نظر بلوغ عاطفی بسیار بودند 40 نفر در بین مجردین اما در بین متأهلین 25 نفر مشاهده شده از طرف دیگر تعداد افراد متأهل از نظر بلوغ عاطفی در مقیاس بسیار با ثبات برابر 13 نفر بوده که در مقایسه با افراد مجرد که 7 نفر بودند تعداد بیشتری را شامل می شود در نتیجه به گونه ای می توان گفت که: افراد متأهل تا حدودی بیشتر از افراد مجرد به بلوغ عاطفی دست پیدا کرده اند.

5-2- محدودیتها:

1- محدودیت در تعداد آزمودنیها، آزمودنیها پژوهش حاضر جمعاً 160 نفر که 80 نفر مجرد و 80 نفر متأهل انتخاب شدند. با توجه به کوچک بودن نمونه نتایج قابل تعمیم به کل جامعه نبود و باید احتیاط شود.

2- عدم همکاری تعدادی از آزمودنیها

3- محدود بودن منابع تحقیق در دسترس برای این منظور و امکان تهیه آزمونهایی معتبر برای به دست آوردن نمره واقعی بلوغ عاطفی. در صورت نبودن حمایتها و فرصتها فقط به خانهای ساکن در خوابگاه ادبیات و متأهلین اکتفا کردیم.

5-3- پیشنهادات:

1- پیشنهاد می شود که محققان دیگر مسئله تعداد آزمودنی را در نظر قرار دهند و تا آن جا که امکان دارد افراد بیشتری را در پژوهش شرکت دهند.

2- برای کسب اطلاعات دقیق تر و بیشتر و سنجش درست بلوغ عاطفی پرسشنامه ای با اعتبار بیشتری و هنجار شده با فرهنگ ایران ساخته شود.

3- در زمینه علت شناسی عدم بلوغ عاطفی مطالعاتی صورت گیرد.

پرسشنامه بلوغ عاطفی

لطفاً اطلاعات زیر را تکمیل نمایید:

نام و نام خانوادگی	تاریخ تولد:	/ /
تاریخ اجرا:	شغل:	/ /
تحصیلات:	درآمد ماهانه:	
وضعیت تأهل:	تعداد فرزندان:	محل تولد (روستا/
بخش/ شهر):		

دستورالعمل:

چهل و هشت سؤال در صفحات بعد راجع به خودتان صورت گرفته است پنج پاسخ ممکن عرضه گردیده است، مثل خیلی زیاد، زیاد، نامشخص، احتمالاً و هرگز هر سؤال را بدقت بخوانید و هر يك از این موارد را که موافق حال خود می دانید در پاسخ نامه جلوی شماره آن سؤال زیر گزینه انتخابی علامت (*) بزنید.

برای پاسخ دادن زیاد فکر نکنید و مطمئن باشید پاسخ های شما محرمانه تلقی می شود. حالا به سؤالات پاسخ دهید:

الف:

- 1- آیا دچار ناراحتی روانی هستید؟
 - 2- آیا از پیشامدهای آینده می ترسید؟
 - 3- آیا هیچگاه قبل از رسیدن به هدف از کار دست می کشید؟
 - 4- آیا برای تکمیل کار شخصی تان از دیگران کمک می گیرید؟
 - 5- آیا بین امیال و اهدافتان تفاوتی وجود دارد؟
 - 6- آیا احساس می کنید کم حوصله هستید؟
 - 7- آیا فکر می کنید لجوج هستید؟
 - 8- آیا نسبت به دیگران حسادت می کنید؟
 - 9- آیا در اثر خشم کنترل خود را از دست می دهید؟
 - 10- آیا در تخیلات و رویای روز غرق می شوید؟
- ب:
- 11- آیا اگر به هدفتان نرسید احساس حقارت می کنید؟
 - 12- آیا از لحاظ جسمی و ذهنی احساس ناراحتی می کنید؟
 - 13- آیا دوست دارید دیگران را اذیت کنید؟
 - 14- آیا در لغزش های خود دیگران را سرزنش می کنید؟

15- وقتی با دیگران موافق نیستید با آنها دعوا می کنید؟

16- آیا احساس خستگی بیش از حد می کنید؟

17- آیا از دیگران خود را پرخاشجوتر می دانید؟

18- آیا در عالم خیال غرق می شوید؟

19- آیا احساس می کنید خودمخور هستید؟

20- آیا از خودتان احساس نارضایی می کنید؟

ج :

21- آیا در ارتباط با دوستان و آشنایان احساس فشار می کنید؟

22- آیا از دیگران متنفرید؟

23- آیا خودتان را تحسین می کنید؟

24- آیا از شرکت در اجتماعات امتناع می کنید؟

25- آیا وقت زیادی صرف خودتان می کنید؟

26- آیا دروغ می گوئید؟

27- آیا لاف می زنید؟

28- آیا تنهایی را خیلی دوست دارید؟

29- آیا اساساً مغرور هستید؟

30- آیا از کار، گریزان هستید؟

د :

- 31- آیا با وجود اطلاع از کار مورد نظر، وانمود می کنید که آن را نمی دانید؟
- 32- آیا با وجود ندانستن کاری خاص، وانمود به دانستن آن می نمائید؟
- 33- آیا با وجود مقصر بودن به جای پذیرش آن می کوشید حق را به جانب خود بدانید؟
- 34- آیا از نوعی ترس رنج می برید؟
- 35- آیا گاهی تعادل روانی خود را از دست می دهید؟
- 36- آیا هیچوقت دست به سرقت چیزی می زنید؟
- 37- آیا بدون توجه به قواعد و قوانین اخلاقی دست به عمل می زنید؟
- 38- آیا نسبت به زندگی بدبین هستید؟
- 39- آیا اراده شما ضعیف است؟
- 40- آیا تحمل نظرات دیگران را ندارید؟

ه :

- 41- آیا دیگران شما را قابل اعتماد می دانند؟
- 42- آیا دیگران با نظرات شما مخالفت می کنند؟
- 43- آیا دوست دارید دنباله رو دیگران باشید؟
- 44- آیا با نظرات گروهتان مخالفت می کنید؟

- 45- آیا دیگران شما را فردی غیر مسئول می دانند؟
- 46- آیا به کار دیگران ابراز علاقه نمی کنید؟
- 47- آیا دیگران در کمک گرفتن از شما تردید می کنند؟
- 48- آیا به کار خود بیش از کار دیگران اهمیت می دهید؟

«منابع و مأخذ»

- 1- قائمی، علی (1380) بلوغ. نشر اسپید
- 2- آقا محمدیان، حمید رضا، حسینی، مهران، (1344 و 1384). روانشناسی بلوغ و نوجوانی رشد 2
- 3- محمدیان، محمد، (1369). بلوغ... تولدی دیگر واحد انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- 4- قاسم زاده، حبیب الله (1378). شناخت و عاطفه (جنبه های بالینی و اجتماعی)، انتشارات فرهنگیان.
- 5- اکبرزاده، نسرين (1375). گذر از نوجوانی به پیری (روانشناسی رشد و تحول)، ناشر خود مؤلف.
- 6- برک، لورا ای ترجمه سید محمدی یحیی، (1385). روانشناسی رشد (از نوجوانی تا پایان زندگی) نشر ارسباران.
- 7- شعاری نژاد علی اکبر (1373). روان شناسی رشد، تهران، انتشارات اطلاعات.
- 8- خسروپور یوسف، (1353). روانشناسی بلوغ و نوجوانی.
- 9- دلاور، علی، کاربرد احتمالات و آمار در روانشناسی و علوم تربیتی.
- 10- سرمد، زهره، حجاری، المد؛ بازرگان، عباس (1385). روشهای تحقیق در علوم رفتاری، مؤسسه انتشارات آگاه.

فهرست مطالب

عنوان
صفحه

2	چکیده
	فصل اول: طرح تحقیق
3	1-1- مقدمه
4	1-2- بیان مسئله
6	1-3- اهمیت و ضرورت پژوهش
9	1-4- اهداف پژوهش
9	1-5- سؤالهای پژوهش
10	1-6- تعاریف نظری
11	1-7- تعاریف عملیاتی
	فصل دوم: پیشینه تحقیق
	1-2- پیشینه تحقیق
	2-2- پیشینه نظری
	12
	تاریخچه روانشناسی بلوغ
	13
	مفهوم بلوغ و تفاوت آن با نوجوانی
	13
	عوامل مؤثر در بلوغ
	14
	بلوغ از دیدگاه روانشناسان
	14
17	عاطفه چیست
	جایگاه عاطفه در مغز از نظر زیستی
	18
	مراحل تشکیل هویت در جوانان دانشگاهی
	19
	الگوی محور روانی- اجتماعی
	19

	تكاليف تحولي هويهورست براي نوجوانان	21
	رشد و تكامل هيچاني- عاطفي	22
	رشد هيچاني و عاطفي در نوجوانان	23
	نيازهاي عاطفي فرد و اهميت آنها	24
	رشد و تكامل اجتماعي	25
	ترك خانه پدري	26
	تأثير رواني وارد شدن به دانشگاه	26
	تعادل عاطفي رواني نوجوان	27
28	خودمحموري نوجوانان خود پنداره و انواع خود	29
	الگوي اريك اريكسون درباره هويت	31
	آسيب پذيري و انعطاف پذيري در فرد	32
	عوامل حفاظتي انعطاف پذيري	33
34	انواع هويت مجرانهاي دوره نوجواني	38
39	2-3- پيشينه عملي	
	فصل سوم: اجراي تحقيق	
	3-1- جامعه آماري	42
42	3-2- نمونه آماري و روش نمونه گيري	
43	3-3- ابزار گردآوري داده ها	
45	3-4- روش گرد آوري داده ها	

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل یافته ها

4-1- تجزیه و تحلیل یافته ها

46

4-1-1- اطلاعات مربوط به سؤال اول پژوهش 47

4-1-2- اطلاعات مربوط به سؤالهای 2 تا 5 پژوهش

47

4-2- داده های جانبی

48

نمودار چند ضلعی فراوانی مشاهده شده

50

نمودار ستونی فراوانی مشاهده شده

51

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

5-1- بحث و نتیجه گیری

52

5-2- محدودیت ها

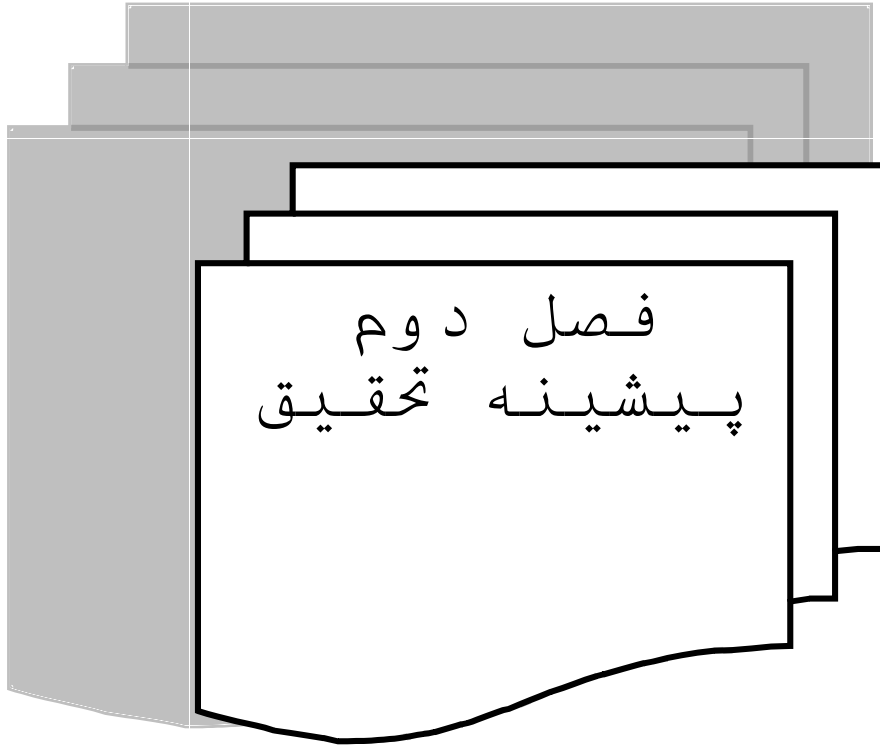
55

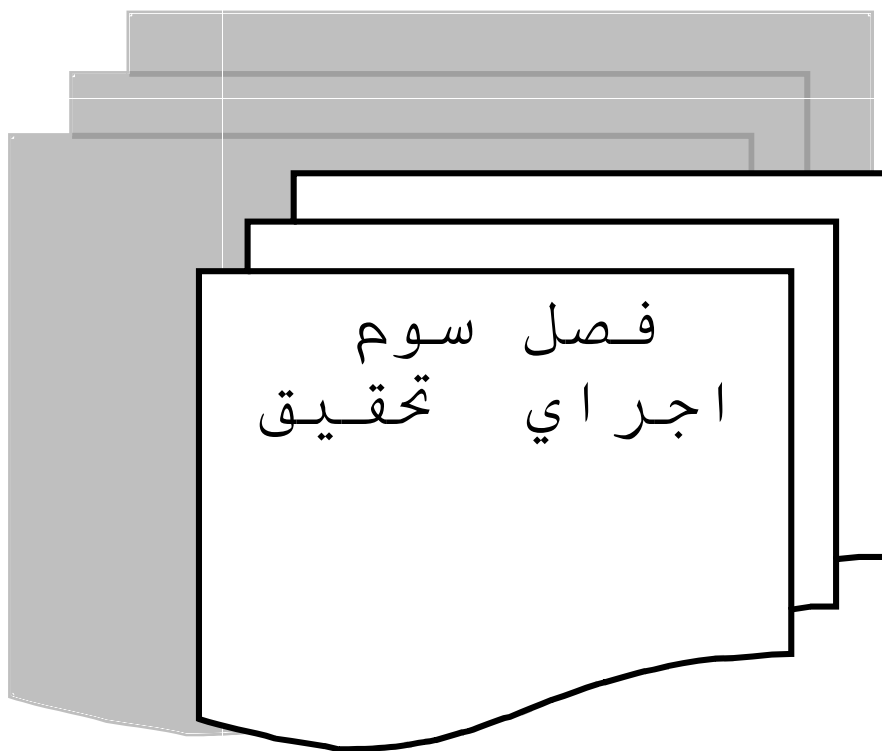
5-3- پیشنهادات

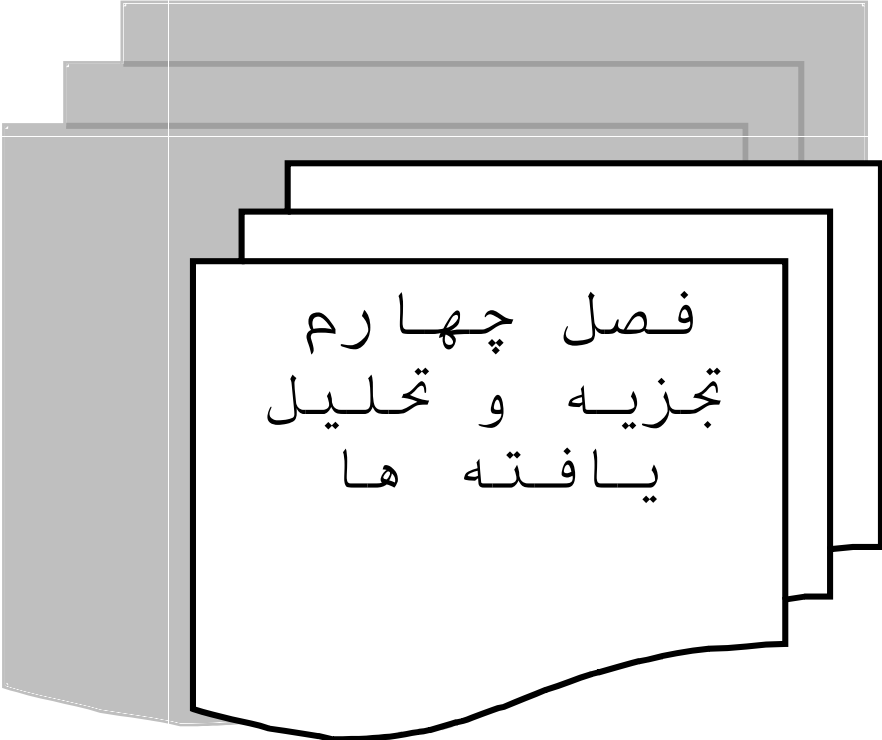
55

پیوست

منابع و مآخذ







فصل چهارم
تجزیه و تحلیل
یافته ها

